



## کشاورز

# چاهی که بیل نزده فوران می کند

نگاهی به مجموعه شعرهای «رفتم بالا، اومدم پایین» سروده ناصر کشاورز

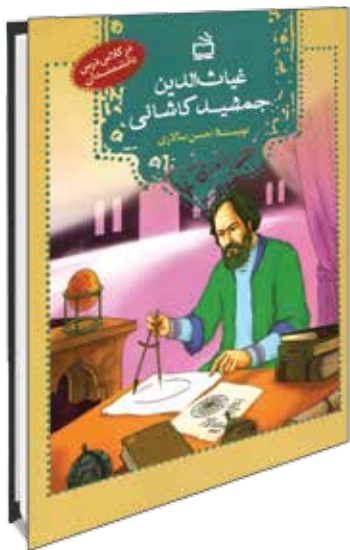
است: کم ادعا، فروتن، چالاک، بی حوصله در برخی موارد و... مجموعه کتابهای «رفتم بالا اومدم پایین» او را بهانه‌ای برای نوشتن این متن قرار داد. درباره این مجموعه که سه جلد از آن پیش رویم باز شده می‌توان بسیار نوشت اما در این مجال اندک سعی می‌کنم به چند نکته مهم اشاره کنم. این نکته‌ها را در دو بخش آورده‌ام.

### قوت‌ها

۱. زبان شعرهای این مجموعه، شکسته اما قابل قبول و برای گروه سنی مخاطب مورد نظر شیرین است. زبانی سرشار از بازی‌های زبانی و چالاک:
  - موج موها رو صاف کرد
  - بافت و کلاف کلاف کرد
۲. از قالب مثنوی به‌خاطر قابلیت لحظه‌پردازی و قافیه‌های غافلگیرکننده استفاده مناسبی شده است:
  - اومدم پایین کلید بود
  - رنگ تنش سفید بود
  - دستش زدم یه تیک کرد
  - اتاقمو تاریک کرد
۳. آشنایی‌زدایی و غیرمنتظره بودن در برخی شعرها وجود دارد، چندان که خواننده با خواندن برخی مصراع‌های خیال‌انگیز

رفتم بالا اومدم پایین (مجموعه سه کتاب: رفتم بالا انا ر بود، رفتم بالا سیب بود و رفتم بالا مورچه بود)  
سروده ناصر کشاورز  
ناشر: شهر قلم / چکه  
چاپ اول: ۱۳۹۱، ۲۴ صفحه

شاعر و نویسنده گران قدر معاصر، محمد کاظم مزینانی می‌گفت: «چاه‌ها دوجورند؛ یکی را باید خیلی بکنی تا به آب برسی؛ هر سال هم باید پایین‌تر بروی؛ اما یکی دیگر هم هست که دو تا بیل می‌زنی آب بالا می‌آید؛ طبع شعر ناصر کشاورز، مانند چاه‌هایی است که بیل نزده فوران می‌کند.» به‌راستی که شعر آقای کشاورز چنین است. در این سال‌ها چیزی از آب این چاه کم نشده که هیچ، شاید زیادتر هم شده است و به مصداق سخن حافظ طبع چون آب و شعرهای روان او را بس؛ و امیدوارم از شاعران مطرح روزگار ما به‌ویژه در شعر کودک و نوجوان باقی بماند. ناصر کشاورز فروتن و مهربان است و بسیار انتقادپذیر نیز هست. یادم نمی‌رود همین شعرها را با چه سعه صدری در رشد کودک با خانم شکوه قاسم‌نیا چکش‌کاری می‌کرد. از کشاورز نوشتن سخت نیست. منظورم نوشتن درباره شعر اوست. اگرچه شعر او آینه تمام‌نمای وجود این شاعر بزرگ



## ریاضی به زبانی ساده

کتاب غیاث‌الدین جمشید کاشانی نوشته حسن سالاری از محدود کتاب‌هایی است که به زبان بسیار ساده و روان به معرفی این ریاضی‌دان نامدار مسلمان و ایرانی پرداخته است؛ طوری که شاید بتوان گفت دانش‌آموزان دوره ابتدایی هم قادرند از مطالب آن بهره ببرند.

در این کتاب ابتدا به معرفی کاشانی و زندگی و آثار او پرداخته شده، و سپس بخش‌هایی از کتاب مفتاح‌الحساب او، به زبانی بسیار ساده و روان و مرتبط با مطالب کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، بازنویسی شده است. و دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب می‌توانند به اهداف زیر دست یابند:

- به خودباوری علمی برسند و این چهره‌ها را به‌عنوان الگو در نظر بگیرند؛
- از تأثیر دانشمندان ایرانی-اسلامی در پیشرفت علم آگاه شوند؛
- با روش‌های پژوهشی و آموزشی دانشمندان آشنا شده و این روش‌ها را تجربه کنند؛
- به این نکته مهم پی ببرند که بخشی از دانش امروز و پیشرفت‌های حاصل برگرفته از کوشش‌ها و زحمات دانشمندان پیشین است.

کاشانی می‌گوید برای فراگیری حساب و هندسه کوشش بسیار کرده تا به نکته‌های باریک آن آگاه شده و پیچیدگی‌ها و دشواری‌های مسئله‌های آن را از میان برداشته است. وی در کتاب مفتاح‌الحساب چگونگی انجام چهار عمل اصلی را با عددهای هندی (همین عددهای امروزی) طوری آموزش می‌دهد که به شیوه امروزی شباهت بسیار دارد. افزون بر این، حساب عددهای کسری، به‌دست آوردن ریشه عددها، مساحت شکل‌های هندسی و مسائلی در جبر را شرح می‌دهد.

یاد شعر دیگری نمی‌افتد. چیزی که در شعر شاعران این روزگار کیمیاست مثل:

پایین فرودگاه داشت  
به آسمون راه داشت

۴. در برخی شعرها مفاهیم تفکر و یادگیری مثل «متغیر ظرف و حالت» - که از آموزه‌های تفکر سیستمی است - وجود دارد. این نوع نگاه به افزایش مهارت تفکر کمی در کودکان کمک می‌کند. به‌عنوان مثال در زندگی ظرف‌های پنهانی وجود دارند که آرام‌آرام پر یا خالی می‌شوند:

رفتم بالا باد بود

فوت‌هاش خیلی زیاد بود

۵. خیال نو و مملو از ظرافت‌ها و رؤیاهای کودکانه:

بادبادک بیچاره

خورد به نوک ستاره

۶. کشف‌های شاعرانه که با شیرینی‌های کودکانه درهم آمیخته شده و به غنای شعرها افزوده است:

گفتم آهای برق داره

سیم با طناب فرق داره

بپراز اونجا برو

برقا می‌گیرن تو رو

موارد ذکر شده گوشه‌ای کوچک از برجستگی‌های مجموعه حاضر بود.

### نقاط قابل بهبود

از نظر معیارهای نقد شعر کودک، برخی کاستی‌ها نیز در مجموعه مذکور مشاهده می‌شود که در زیر از باب پیشنهاد به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱. برخی شعرهای این مجموعه را می‌شد نسرود و در آن صورت چیزی از نمره شاعرانگی شاعر این مجموعه کم نمی‌شد. مثل شعر تکراری و فاقد جوهره شعری و بدون فرازهای به‌یاد ماندنی «دود بود» که نقش کتاب پرکن را در مجموعه بازی کرده است.

۲. ابهام در معنای برخی تکه‌ها به‌خصوص برای گروه مخاطبان این مجموعه فراوان است:

رفتم بالا شهاب بود

در ساشو فوت آب بود

در سش چی بود، حساب بود.

معلوم نیست چه ارتباطی میان شهاب و درس حساب غیر از هم‌قافیه بودن آن‌ها وجود دارد.

۳. دست‌اندازهای وزنی در برخی پاره‌ها مشاهده می‌شود که در برخی مواقع می‌شد با یک بازسرایب تصحیح شوند:

رفتم بالا کلاه بود

روی سر ماه بود